

# اسم ستون: درس بازی نام درس: شیمی

عبدالله مقدمی

علاوه بر این، در طول تاریخ حتی یک نفر، برای نمونه هم، شیمی دان مایه دار نداریم که به او مشکوک شویم. همه هشتشان گرو نهشان است.  
احتمالا همین کشف نشدن اکسیر هم بوده که باعث شده است آن‌ها چیزهای علمی سخت‌سخت کشف کنند.  
انگار ما بچه‌ها به مواد شیمیایی گفته بودیم یک‌طوری کشف بشوند که نشود باهاشان پول دار شد. یکی نبود به شیمی دان‌ها بگوید: «آخه قربانتان بشوم، اصلا این همه کار کردید که هیچ کاری نکنید؟! هی نشستید و کشف کردید و به قطر کتاب‌های ما اضافه کردید. خب این صحیح نیست و ما تأیید نمی‌کنیم.  
از همه‌شان بی‌اعصاب‌تر هم آن جناب مندلیف بود که یکهو جدول عجیب و غریبی گذاشت جلوی دانش آموز از همه جا بی‌خبر و گفت: «حفظش کن!»

عجیب‌تر از اینکه کسی بتواند مس را به طلا تبدیل کند، کسی است که موفق شود طلا را مس کند.  
شیمی شاید تنها علمی باشد که سال‌ها اسیر یک باور خرافی عجیب و غریب بوده است. شیمی دان‌ها یک عمر خودشان و بقیه را سر کار گذاشته بودند. آن‌ها به دنبال یک ماده «نیست‌درجهان» به نام «اکسیر» بودند که وقتی به فلز کم‌ارزشی مثل مس بزنند، به طلا تبدیل شود. خیلی باحال است نه؟ حیف که چنین ماده‌ای هیچ وقت کشف نشد.  
الان شما با خودتان می‌گویید: «از کجا معلوم؟ شاید یک شیمی دان زرتنگ اکسیر را کشف کرد و قضیه را به کسی لو نداد و کلی طلا به جیب زد.» اما این‌طور نیست، چون دانشمندجماعت از این شیطانی‌ها بلد نیست و نخود توی دهانش خیس نمی‌خورد. خودتان مگر ندیده‌اید که به محض کشف یک موضوع علمی، چه سروصدا و دادار دودوری در عالم راه می‌افتد؟



تصویرگر: اشکان سپهر

# فصل امتحان!

شروین سلیمانی

مثل عبور از مرکز آتشفشان‌ها  
دلشوره می‌گیرم زمان امتحان‌ها!

از استرس قلبم می‌آید در دهانم  
چون جوجه‌ها وقت سقوط از آشیان‌ها!

من خود به چشم خویشتن دیدم که گاهی  
حتی به لب‌ها می‌رسند از ترس، جان‌ها!

وقت شروع امتحان حس می‌کنم که  
دارم می‌افتم از فراز نردبان‌ها!

وقتی مراقب چشم می‌دوزد به چشمم  
انگار مانده در گلویم استخوان‌ها!

شاید زبانه لال در درسی بیفتم  
با اینکه من هم بوده‌ام از درس‌خوان‌ها!

وقتی بیفتم لحظه تلخ شکست است  
چون لحظه تلخ شکست قهرمان‌ها

اما من از این چیزها باکی ندارم  
با کوششم خواهم گذشت از هفت‌خوان‌ها

